



قدر؛ شب نزول اراده الهی در کائنات

علامه طهرانی با اشاره به آیات و روایات، شب قدر را مختص امت اسلام خوانده و تأکید می کند: در این شب، شیاطین نمی توانند سراغ افراد بیایند، چون شب قدرت و عظمت و بروز و ظهور امام در عالم ملکوت است و شیاطین همه در بیغوله های خود و در تاریکی ها مخفی شده اند.

قدر؛ شب نزول اراده الهی در کائنات/تصرف در کائنات به اختیار امام است

علامه طهرانی با اشاره به آیات و روایات، شب قدر را مختص امت اسلام خوانده و تأکید می کند: در این شب، شیاطین نمی توانند سراغ افراد بیایند، چون شب قدرت و عظمت و بروز و ظهور امام در عالم ملکوت است و شیاطین همه در بیغوله های خود و در تاریکی ها مخفی شده اند.

به گزارش خبرگزاری مهر، مرحوم علامه سید محمدحسین طهرانی در یکی از سخنرانی های خود به بحث «شب قدر» پرداخته اند که بخش اول آن در خروجی خبرگزاری مهر قرار گرفت و اینک بخش دوم آن در پی می آید:

آگاه به سر قدر؛ خوف و حزن ندارد

(إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ*نَحْنُ أُولِيَائُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ): آن کسانی که ایمان می آورند و بر اساس ایمان استقامت دارند ملائکه بر آنها نازل می شوند، خوف و حزنی نداشته باشید، یعنی آنها را به قدر متصل می کنند و بر عالم قدر و سر قدر اطلاع پیدا می کنند، چون گفتیم که (مِنْ قَبْلُ أَنْ تَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ)، آن که بر سر قدر اطلاع داشته باشد چیزی از دست اش برود محزون نمی شود و چیزی به او برسد خوشحال نمی شود چون می داند هیچ چیز بدست او نیست هر چه هست بدست پروردگار است، به اندازه سر سوزنی خود دخالت ندارد این افرادی که در ایمان پافشاری کردند و استقامت، ملائکه بر آنها نازل می شوند و آنها را بشارت به این دو صفت می دهند.

(أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا): خوف نداشته باشید، حزن هم نداشته باشید، یعنی مطلب از این قرار است، بر آنها ارائه می دهند عالم قدر را، نزول قدر را بر آنها ارائه می دهند و بعد می گوید: نحن اولیاء کم فی الحیوة الدنیا وفی الآخرة ما رفیق شما هستیم، ما ملائکه آسمانی و فرشتگان عالم قدس رفیق شما هستیم، ولی شما هستیم، با شما مهربانیم، هر کاری از دستان بر می آید برای شما می کنیم و هر چه لازم داشته باشید ما در تحت اختیار شما می گذاریم، از این آیه استفاده می شود که وصول به مقام ایمان و استقامت در ایمان ملازمه دارد رؤیت ملائکه را بالاخص در شب های قدر.

شب قدر مختص امت اسلام است/ تعبیر خواب پیامبر(ص)

(إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ): ما نازل کردیم قرآن را در شب قدر، نازل کردیم بر پیغمبر، که عجب شب مبارکی است. (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ): ما نازل کردیم قرآن را در شب مبارک، خیلی مبارک، (وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ): ای پیغمبر می دانی لیلۃ القدر چیست؟ خیلی مهم است. (لَيْلَةُ الْقَدْرِ حَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ): این شب از هزار ماه بهتر است، چگونه یک شب از هزار ماه بهتر است، شما دیدید در دوران مدت عمرتان، ممکن است یک لحظات کوتاهی بر شما گذشته باشد که در کیف و مسرت و لذت به سر ببرید و آن ساعت کوتاه به اندازه مدت عمر برای شما نتیجه داشته باشد؛ معنی (لَيْلَةُ الْقَدْرِ حَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ) این است.

پیغمبر دیدند بعضی از افرادی که در امم سابقه بودند از بنی اسرائیل، هزار سال شمشیر حمایل می کردند و در راه خدا جهاد می کردند پیغمبر عرضه داشت عمر امت من که کوتاه است، اعمال آنها و تکالیف آنها هم که کم است، مانند امم سابق تکالیف زیاد ندارند پس عوض آن بهره هایی که این ها در این مدت های بلند می بردند به امت من چه می دهی؟ خطاب رسید زمان کوتاه است، عمل کم است، اما کیفیت عالی است، ما یک شب قدر به آنها می دهیم، شب قدر(حیرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ): از هزار ماه بهتر است.

پیغمبر شب در عالم رؤیا دیدند که بر منبر پیغمبر، بنی امیه به شکل بوزینه، میمون، بالا می روند و پائین می آیند، تمام این منبر پیغمبر را بوزینه ها گرفته اند و بالا می روند و پائین می آیند و مردم را به قهقرا سوق می دهند یعنی از اسلام بر می گردانند به قهقرا و همان آداب جاهلیت، پیغمبر از خواب بیدار شدند و خیلی متأثر شدند، خواب، خواب تأثر آمیزی بود، لازال کثیبا حزینا همینطور پیغمبر به حال غصه و حزن بودند تا جبرائیل نازل شد " السلام علیک یا رسول الله مالی اراک کثیبا حزینا"، چرا اینطور شدی؟

پیغمبر فرمودند: ای برادر من- جبرائیل- من همچنین خوابی دیشب دیدم، بر روی این منبر بوزینگان می روند بالا و می آیند پائین و همه پله های منبر را گرفته اند و مردم را به قهقرا و به جاهلیت بر می گردانند، جبرائیل گفت: من خبری ندارم، می روم خبر می آورم،

صعود کرد به مقام عزّ قدس ربوبی و برگشت این آیه را آورد: (أُفْرِيتُ إِن مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ * ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ * مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ): ای پیغمبر اگر ما این ها را سالیان درازی متمتع کنیم از همین لذات و شهوات فانیه دنیا و بعد به آنها برسد گزند و نتیجه اعمال زشت آنها، این تمتع و شهواتی که در دنیا به عنوان لذت بردند برای آنها چه فایده ای دارد، (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَ مَا أَزْنٰكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ) ما به عوض آن بر تو لیلۃ القدر را قرار دادیم، که لیلۃ القدر از هزار ماه بهتر است.

مدت حکومت بنی امیه 84 سال بوده است و 84 سال یک مقدار کمی کمتر می شود از هزار ماه، درست مدت حکومت بنی امیه هزار ماه است و لیلۃ القدر خیر من الف شهر، ما یک شب می دهیم به امت تو، که در این یک شب تمتعات، لذات، بهره هایی که مردم از هزار ماه بر می دارند بیشتر است، آن تمتعات مادی است و در این یک شب بیش از هزار ماه تمتعات روحانی و معنوی بر می دارند و این «لیلۃ القدر» مال امت تو است، مال هیچ یک از امم سابقین نبوده، یک شب است ولی عجب شبی است، شبی است که تمام درهای بهشت را باز کردند، درهای جهنم را بسته اند.

شب قدر؛ روز تاج گذاری امام است در عالم معنا، در هر زمان

شب قدر شب نزول اراده پروردگار در کائنات است و تصرف در کائنات به اختیار امام است و این قدرت کجا قابل قیاس است با قدرت های خارجی و حکومت های خارجی که بنی امیه در چندین سال معین در بین مردم می کردند، حکومتی که ناشی از شهوت و نفس و خیالات باطل و دنبالش آن عذاب های سختی که از طرف پروردگار به آنها می رسد. ما به امت تو لیلۃ القدر دادیم، روز تاج گذاری و بر تخت نشستن امام است در عالم معنا، در هر زمان.

در زمان پیغمبر ملائکه نازل می شدند خدمت خود پیغمبر، در زمان امیرالمؤمنین(ع) خدمت امیرالمؤمنین در زمان امام حسن، خدمت امام حسن، همینطور در زمان هر یک از اولیایی که دارای مقام امامت بودند ملائکه خدمت آن امام می آمدند تا زمان امام زمان و هر شبی از شب های لیلۃ القدر از اول شب تا اذان صبح تمام ملائکه رحمت نازل می شوند با جبرائیل، با روح، و آن وقت شب، شب روحانی است یک شب را انسان عبادت می کند از هزار ماه عبادت ثوابش بیشتر است، علت اینکه این همه در روایات، عجیب روایاتی است. اگر کسی می خواهد روایات را ببیند تفسیر مجمع البیان، تفسیر صافی، تفسیر برهان، تمام روایات را جمع کرده اند بالاخص تفسیر برهان، می فهمند که چه خبر است.

این همه روایات ترغیب می کند بر شب قدر، اولیاء و صالحین و مخلصین در تمام مدت سال انتظار می کشیدند برای شب قدر و دعا می کردند اگر خدایا در امسال موت ما را مقدر کردی، بگذار شب قدر را درک کنیم و بعد بمیریم، تشنه شب قدر بودند، چون یک شب عبادت ثواب هزار ماه عبادت، یک الله اکبر گفتن مثل این است که انسان در هزار ماه الله اکبر بگوید، یک روزه گرفتن مثل اینکه هزار ماه روزه بگیرد، یک خط آیه قرآن خواندن مثل اینکه هزار ماه آیه قرآن بخواند.

پس بنابراین چه مناسب بین آن افرادی که شمشیر به کمر می بستند و در راه خدا جهاد می کردند هزار ماه یا هزار سال و در این شب، شخص یک شب قیام می کند برای خدا، تمام آن معانی درش هست، تعجب نکنید، این راهی است که پیغمبر باز کرده است بکم فتح الله اینها همه از برکات پیغمبر است، دریچه را باز کرد نور به عالم افاضه شد، یک بچه می رود مکتب یک سال درس می خواند، یک بچه می رود شش سال می خواند به اندازه آن یک سال نمی فهمد. افکار بشر مگر یک قسم است. یک شخص تیزهوش است، سرعت انتقال دارد، حافظه اش قوی است، استعدادش قوی است، یک شخص کند است، یک شخص به یک شب می رسد، یکی به هزار ماه هم نمی رسد.

پس تعجب نکنید که خداوند یک افاضه ای کرده است برای امت پیغمبر آخر زمان که در اثر یک شب عبادت آنقدر بهره های روحانی و معنوی ببرند که امم سابق در بیش از هزار سال این را نمی توانستند ببرند. (لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ) چرا؟ تفسیر می کند آیه، علت اش را بیان می کند، (تَنْزِيلُ الْمَلٰٓئِكَةِ وَ الرُّوحُ)، ملائکه نازل می شوند تنزل اصل اش چی بوده است؟ تنزل که مضارع است و این دلالت می کند که شب قدر، یک شبی نبوده در زمان پیغمبر تمام شده باشد، رفته باشد در هر سال دائماً این شب قدر استمرار دارد، نازل می شوند ملائکه و روح، که موجودی است اعظم از ملائکه و اعظم از جبرائیل، در این شب، من کل امر، از آن عالم امر نازل می شوند و از آن عالم با خود پایین می آورند، من کل امر، از هر امری از هر ملکوتی.

(إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ)، امر پروردگار که در آن عالم قالب زده نیست، متعین نیست و مشخص نیست این ملائکه، جبرائیل و روح که با آن عالم مجرد سنخیت دارند، نازل می شوند و از آن امر با خود می آورند به آسمان دنیا و اینجا قالب می زنند و مشخص می کنند و قدر می کنند یعنی اندازه اش را مشخص و معین می کنند و به این مناسبت می گویند «لیلۃ القدر»، قدر و قدر یک معنی دارد، از ماده تقدیر است یعنی معین کردن و مشخص کردن، در این شب همه چیز مشخص می شود.

شب قدر؛ شب سلامتی و شب مخفی شدن شیاطین در تاریکی

(سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ)، این شب سلام است، سلام یعنی خالی بودن و عاری بودن از هر گزند و ناراحتی و مرض جسمی و روحی و اصلاح و سعه ای که انسان در این حال پیدا می کند این را گویند سلام، سلام علیکم یعنی مطمئن باش که از ناحیه من بدی به شما نمی رسد، «#سَلَامٌ هِيَ»، این شب سلام است، یعنی بدی نیست در این شب، جهنم نیست، معصیت نیست، کفر نیست، تاریکی نیست، شیاطین نمی توانند سراغ افراد بیایند، چون شب قدرت و عظمت و بروز و ظهور امام است در عالم ملکوت، شیاطین همه در بیغوله های خود و در تاریکی ها مخفی شده اند.

شب، شب نور است از اول غروب که این شب شروع می شود، ابتدای شب نور از آسمان می آید و ملائکه نزول می کنند تا کی؟ (حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ) تا هنگامی که فجر طالع می شود، سپیده آسمان را فرا می گیرد، این شب، شب قدر است، در روایات داریم که هر شبی که عزیز است روز آن شب هم بدنبال آن شب همان حکم را دارد، روز نیمه شعبان حکم شب نیمه شعبان دارد، روز جمعه، در فضیلت بدنبال شب جمعه است، روز قدر به دنبال شب قدر است، پس بنابراین (سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ) این مال شب بود، و کیفیت نزول ملائکه در شب قدر، اما آثار رحمانیت و رحیمیت، در روز قدر تا هنگام غروب ادامه دارد.

جبرائیل نازل شد و به پیغمبر خبر داد که ای پیغمبر بنی امیه از این منبر می روند بالا، پیغمبر لازال کثیبا حزینا حتی نزلت هذه السورة، (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ* وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ)، ای پیغمبر این دنیا به درد تو چه می خورد، تو برای این دنیا آفریده نشده ای این مقاماتی را که خدا در دنیا به تو داده، مال لذت رانی و سورچرانی در دنیا نیست، (أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ* ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ* مَا أَتْنَاهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَغَوْنَ)، تو مال جای دیگر هستی مال عالم دیگر هستی، علی بن ابیطالب (ع) مال این عالم نیست، دخترت زهرا (س) مال این عالم نیست، فرزندان تو مال این عالم نیستند، مال جاهای دیگر هستند، ما برای آنها شب قدر قرار دادیم. یعنی چه؟

آگاه به اسرار عالم ملکوت، ارزشی برای دنیا قائل نیست

یعنی چشم امام حسن، امام حسین اولاد تو را به آن عالم باز کردیم، وقتی به آن عالم باز شد دیگر نعمت های این عالم در نزد آنها صفر است، مشقات و مصائبی که در این دنیا می بینند برای رضای خدا برای آنها لذت بخش است، آنها دنبال جهاد می روند نه اینکه جهاد دنبال آنها حرکت می کند، دنبال انفاق و دستگیری از ضعفاء و ایتمام می روند نه اینکه به واسطه عرض حاجت در مضیقه و مأخوذ به حیا شوند و حاجت کسی را برآورده کنند، نه! آن کسی که چشم اش باز شد به اسرار عالم ملکوت، دیگر برای این دنیا ارزشی قائل نیست و واقعاً هم مطلب همین طور است.

آخر آن کسی که مثلاً فیروزه درجه اعلی نیشابوری که هر قیراط آن مبالغی قیمت دارد و بدست او می رسد و می شناسد آیا او را رها می کند و می رود در میدان مهره فروش ها از این مهره هایی که به گردن بعضی از حیوانات می بندند، یکی از آنها را به دست ببندد و برای انگشتر بگذارد؟ اگر اینکار را بکند که صحیح نیست، نمی رود سراغ آن، کسی که مزه گوشت خالص و طیب و طاهر را چشیده این دنبال مردار و جیفه نمی رود، جیفه مال سگان است، که دسترسی به آن گوشت های طیب و طاهر ندارند، و حس شان هم برای درک آن گوشت های تازه نیست، خوراک اینها نیست، ریاست های دنیا، شهوات دنیا، لذت های دنیا که منغمر است در معاصی، این ها مال افرادی است که بویی از عالم ملکوت و رحمت نبرده اند.

اگر دریچه ای از آن عالم به قلب آنها باز شود به هزار هزار برابر از این معاصی توجه نمی کنند و لذا ببینند خداوند برای پیغمبرش که بهترین موجود است چنین مقدر کرده است، امیرالمؤمنین در نهج البلاغه می فرماید: بین ای انسان با انصاف، خدا برای پیغمبرش چه مقدر کرده است اگر این ها بد بود خدا برای بهترین موجود، گل سر سبد عالم کائنات و حبیب خود مقدر نمی کرد پس چون اینها را برای او مقدر کرده است بالملازمه بدان برای آن افرادی که دنیا را برای خود گسترش داده و در شهوات و غفلات غوطه ورنده آنها در نکبت و تاریکی زندگی می کنند، اساس زندگانی خوردن و آشامیدن و شکم پرکردن و خوابیدن و خرخر کردن نیست، این حیات حیات حیوان است.

انسان یک حیات دیگر دارد بر اساس شرف و فضیلت، می خواهد انسان دچار گرفتاری و مصیبت بشود اشکال ندارد، می خواهد در راه خدا کشته شود اشکال ندارد، بالاخره عالم باید به خدا بر گردد یا به این صورت یا به آن صورت. شهادت برای سیدالشهداء عیب نیست، این فخر است، اصلاً خداوند یک مدالی به سینه سید الشهداء زده است، این مدال را کسی نمی تواند تحمل کند مگر سیدالشهداء، عالی ترین مدال است که به آن حضرت داد، عالی ترین مدال را به حضرت امام حسن داد، عالی ترین مدال را به حضرت سجاد داد، دیگران نمی توانند تحمل کنند، نمی توانند این بار را بکشند، این می تواند این بار را بکشد که چشم اش و گوشش و قلب اش بر اسرار عالم غیب اطلاع پیدا کرده و (لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ) بر سر هویدای قلب او نشسته است.

پیشگویی پیامبر(ص) بر چگونگی شهادت امام حسین(ع)

مگر شاهزاده علی اکبر نگفت: ای پدر جان ما چه باک داریم چرا غصه می خورید؟ ای پدرجان خواب دیدید این قوم می رود و مرگ دنبال اینها می رود. 1 ولسنا علی الحق مگر ما بر حق نیستیم؟ فرمود: چرا، گفت: پس از مرگ چه باک داریم، خیلی روشن، خیلی ساده، در روز عاشورا ببینید این جوان چقدر ساده و سریع بدون هیچ گرفتگی و خللی و ناراحتی و شکایتی، امری، نهی، خیلی آرام آمد.

پیغمبر(ص) رفتند در آن اتاق مشغول عبادت اند ام سلمه نقل می کند: یک مرتبه می گوید: من پیغمبر را دیگر ندیدم، جای پیغمبر خالی بود، ساعتی گذشت دیدم پیغمبر آمد، در اتاق افتاده به سجده، مشغول گریه است. گریه ای طولانی و عجیب و غریب می کند، صبر کردم سر از سجده برداشت، دیدم سر و صورت پیغمبر گردآلود است گفتم یا رسول الله کجا بودید؟ حضرت فرمودند: مشغول عبادت بودم جبرئیل آمد برای من تهنیتی آورد، مبارک بادی گفت، عرض کردم یا رسول الله آن مبارک باد چه بود؟ جبرائیل به من گفت: که این منصب را خدا به حسین ام می دهد و می خواهی برویم خوابگاه او را ببینم.

مرا برداشت آورد در خوابگاه حسینم، سرزمین کربلا پیاده شدیم، تمام آن جریانات را دیدم، دیدم حسین من قطعه قطعه روی زمین افتاده، جبرئیل مقداری از آن خاک را برداشت و به من داد و گفت ای رسول خدا هر وقت این خاک تبدیل به خون تازه شد، علامت این است که حسین را کشته اند، این گرد و خاکی را که بر صورت من می بینی، گرد و خاک همان زمین است که بر صورت من نشسته است، پیغمبر برگشتند در سجاده خود، مشغول سجده بودند که ام سلمه این را از حضرت پرسید، حضرت آن تربت را به ام سلمه دادند و گفتند: این را با خود نگه دار، هر وقت دیدی این تربت تبدیل به خون تازه شد بدان که حسین مرا کشته اند.

ام سلمه؛ یگانه زنی که امام حسین(ع) در حرکت به سوی عراق از او خداحافظی کرد

ام سلمه می گوید: این تربت را گرفتم و نگاه داشتم و دل من تا زمانی که سید الشهداء(ع) حرکت کردند برای عراق دائماً در غلیان و اضطراب بود، خبری بود که پیغمبر داده، خبرها داده و همه درست، پیغمبر به من خبر داده، من زنی هستم مطیع اوامر پیغمبر و بسیاری از اسرار را پیغمبر به من فرمود. سیدالشهداء می خواست حرکت کند برای عراق، در مدینه آمد خدمت مادرش، ام سلمه، ام سلمه را مادر خطاب می کرد. ام سلمه از زوجات بزرگوار پیغمبر است محب اهل بیت و امیرالمؤمنین است محب حضرت زهرا است، سید الشهداء و امام حسن او را خیلی دوست دارند، او نسبت به این بچه ها خیلی ملاطفت دارد.

سیدالشهداء در مدینه فقط از یگانه زنی که خداحافظی کرد از ام سلمه بود. آمدند برای خداحافظی یک مرتبه صدای ناله و شیون ام سلمه بلند شد، ای حسین کجا می روی، می خواهم بروم به راه عراق ای حسین ای وای، انگار آن وعده ای که پیغمبر به من داده {محقق شده است}! حضرت فرمودند: بله. خداوند برای من مصرعی قرار داده و من باید بشتابم و خود را به آن مصرع برسانم و خدا تو را جزای خیر بدهد، صبر کن بر این مصیبت.

آقا حرکت کردند برای مکه و چند ماهی اقامت کردند و حرکت کردند برای کربلا، خبر به ام سلمه رسید که آقا حرکت کردند برای کربلا، ام سلمه می گوید: این شب هایی که آقا در مکه بودند دل من یک قدری آرام بود می دانستم شهادت در مکه واقع نمی شود، اما همین که شنیدم حرکت کرد امام از مکه به کربلا دیگر نه شب خواب داشتم و نه روز، دائماً می رفتم و این تربت را که در شیشه ای گذاشته بودم می دیدم و هر وقت می دیدم به همان صورت تربت است می گفتم: الحمدلله تا به حال سرور ما، امام ما زنده است، و کشته نشده است، ولی یک وقت رفتم و دیدم تبدیل به خون تازه شده، صدای شیون ام سلمه بلند شد، همسایه ها صدای شیون او را به این اندازه نشنیده بودند، آمدند، ای زن رسول خدا چه اتفاقی افتاده؟ چه مصیبتی واقع شده؟ خدا چشمان تو را گریان نبیند، دست زنها را گرفت آورد در میان آن اتاق گفت: ببینید این همان خبری است که پیغمبر به من داده است به خدا قسم ذریه پیغمبر را کشتند. و سيعلم الذين ظلموا ای منقلب ینقلبون إنا لله و إنا إلیه راجعون.